

آخر سال و خانه‌تکانی دل



«عید» در بیرون از وجود ما حضور دارد، در وجود خود هم عیدی پدید آوریم و به «خانه‌تکانی دل» بپردازیم، چه زیباست که در کنار «تحویل سال»، شاهد «تحوّل حال» هم باشیم.

«#عید» در بیرون از وجود ما حضور دارد، در وجود خود هم عیدی پدید آوریم و به «#خانه‌تکانی دل» بپردازیم، چه زیباست که در کنار «#تحویل سال»، شاهد «#تحوّل حال» هم باشیم.

سال تقویمی گذشت، اما سال تحصیلی ادامه دارد.

حتی اگر در روزهای آغازین بهار، درس‌ها و کلاس‌ها تعطیل باشد، هرگز «#اندیشه» و «#معرفت» و «#دانش» تعطیل نیست.

این، روشی برای «#مبارک» ساختن سال نوست، یعنی برکت آفرینی در عمر و زمان و فرصت‌های زندگی.

حال، تا اینجای کار را پیش آمده‌ایم.

شاید اگر دقت و برنامه‌ریزی بهتری داشتیم، می‌توانستیم زمان را امتداد بخشیم و فرصت‌های درسی و آموزشی را بیشتر و بهتر برویانیم و بشکوفانیم.

کارمندی تعطیل‌بردار است، اما دانش‌پژوهی هرگز، «#میاسای ز آموختن یک زمان ...»

آغاز سال نو را به خیلی‌ها «#تبریک» می‌گوییم، خیلی‌ها هم به ما تبریک می‌گویند، مفهوم این «#تبریک» چیست؟ یعنی خیر و برکت یافتن سال و ماه و عمر و زندگی و نیرو و تلاش.

خیلی‌ها پول دارند، اما پولهایشان بی‌حرکت است.

خیلی‌ها اولاد دارند، اما خیری از فرزندان‌شان نمی‌بینند.

خیلی‌ها درس می‌خوانند، اما تحصیلاتشان به کار خودشان و جامعه نمی‌آید.

خیلی‌ها تلاش می‌کنند، اما همان جای نخستین‌اند.

خیلی‌ها زحمت می‌کشند، اما همچنان دست‌شان از «#بهره زحمات» خالی است و کوشش‌های مستمر آنان بیهوده و بی‌ثمر می‌شود، اینها همان «#بی‌برکتی» در زندگی و دانش و دارایی است.

چه کنیم که سال جدید برایمان «#برکت» داشته باشد و تبریک گفتن‌ها و شنیدن‌ها مفهوم و مصداق پیدا کند؟

آینده، در گرو گذشته ما و تلاش کنونی ماست.

آنچه خجستگی روزها و سال‌های آتیه را برای ما رقم می‌زند، تصمیم‌های جدی، اراده‌های استوار، برنامه‌ریزی‌های حساب شده، پیگیری‌های دقیق، محاسبه‌ها و مراقبت‌های ویژه است.

ما مسؤول عمر، زمان، فرصت‌ها و استعداد‌های خویشیم.

هرگز مباد که گذشته ما به امید «#آینده» و آینده ما به حسرت «#گذشته» سپری شود و عمر ما بین این گذشته پر حسرت و آینده رؤیایی تقسیم شود و هیچ خورده نیاورد!

این تقسیم، هیچ جالب و زیبا نیست.

زمان، امانتی در دست ماست.

هم می‌توان این عنصر پر بها را سوزاند و دود کرد، هم می‌توان آن را سرسبز و با طراوت ساخت. تعیین کننده این دو وضع هم نحوه عمل ماست.

باید از هر دقیقه قرنی ساخت

قرن را در دقیقه‌های گنجانند

یا که با شیوه مهار زمان

جبر را هم به زیر بال کشید

هر چه هست در این #171 مہار زمان» نهفته است، اگر قدرت آن را داشته باشیم، هم دقیقه‌های ما استمرار و وسعت می‌یابد و سرشار می‌شود، هم قرنی را می‌توانیم، در دقیقه‌های بگنجانیم و لحظه لحظه عمر خود را غنی سازیم.

باری . . . در سال نو، همه چیز نو می‌شود، ما چرا نو نشویم؟

تقویم‌ها عوض می‌شود، خانه‌ها گردگیری می‌شود، دیدارها تازه می‌شود، طراوت را در چهره طبیعت تماشا می‌کنیم، دشت و دمن عطر جانبخش و رایحه بهاری را نثار و ایثار می‌کند، ما که نباید کمتر از درخت و صحرا باشیم!

اگر ما هم عوض شدیم، اگر اخلاق ما هم نوتر و بهارتری شد، پا به پای بهار، آمده‌ایم، در سال جدید، هم دفتر عمر ما ورق می‌خورد، هم تقویم سال جدید را می‌کشاییم، چه خوب است که در برگ برگ این دفتر و کتاب، با ایمان و عمل، با خوبی‌ها و تلاش‌ها، با صداقت‌ها و مهرورزی‌های صادقانه، خطوطی از #171 هنر انسان زیستن « بنگاریم و نقشی از #171؛ رشد» ترسیم کنیم.

#171 عید» در بیرون از وجود ما حضور دارد، در وجود خود هم عیدی پدید آوریم و به #171؛ خانه تکانی دل « بپردازیم.

چه زیباست که در کنار #171؛ تحویل سال»، شاهد #171؛ تحول حال» هم باشیم، چه نیکوست که #171؛ امروز» ما بهتر از دیروز و #171؛ فردا» ما بهتر و روشن‌تر از امروز و #171؛ فرجام « کار ما بهتر از #171؛ آغاز» آن و #171؛ آخرت « ما بهتر و آبادتر از #171؛ دنیا» ما باشد.

و . . . این، شدنی است، تنها #171؛ خواستن» می‌خواهد. ما در کجای زمان ایستاده‌ایم؟ از چه قله و فرازی به حیات می‌نگریم؟ چه افقی پیش چشم ماست؟

یک حرف کاملاً جدی:

عده‌ای سال گذشته، در همین ایام، بودند و امروز نیستند، یعنی از نعمت #171؛ وجود» بهره‌مند بودند و امروز محروم‌اند، این، یعنی فرصت‌ها را پایانی است و مهلت‌ها را باید مغتنم شمرد و #171؛ پاس فرصت‌ها» را نباید خراب کرد.

بگذشت زمان، دست به کاری نزدی

برگردن لحظه‌ها مهاری نزدی

صد توپ زدی، تمام را کردی #171؛ اوت»

صد #171؛ پاس» گرفته، آبشاری نزدی!

و اگر در طلایه سال نو و سپری شدن سال گذشته این حرف را ننویسیم و به این حقیقت که در آینه #171؛ تحویل سال» دیده می‌شود ننگریم، پس کی و کجا و چگونه؟

و . . . بالاخره، یک حرف جدی دیگر:

اینکه عمر می‌گذرد و سال، نو می‌شود، چنان نیست که سن و عمر ما افزوده شود، بلکه از آن کاسته می‌شود، مثل سیگار که هر چه بکشند کوتاه‌تر می‌شود، ما هم هر چه بیشتر عمر می‌کنیم، از عمرمان کاسته می‌شود و به #&171خط پایان» نزدیک‌تر می‌شویم.

البته نباید با جوانان این گونه حرف زد، ولی چه می‌توان کرد، فرصت‌ها به شتاب ابرهای آسمان می‌گذرد، باید دید چه کاشته‌ایم و چه برداشت خواهیم کرد؟!

پروین اعتصامی، می‌گوید:

گوهر وقت بدین خیرگی از دست مده / آخر، این در گرانمایه بهایی دارد

دوران تحصیل، بهار عمر ماست، تعطیلات را هم چون ایام تعطیل، پربار و سرشار سازیم، این است برکت عمر!

یادداشت از: حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی